

بررسی پرونده کارفرمایانی که از سوی کارگران خود  
به قتل رسیدند

# استخدام قاتل

یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های سال ۹۹ هفته گذشته در یک  
گاو‌داری در تویسرکان رقم خورد. جنایتی که پنج عضو یک  
خانواده با ضربات جسم سخت کشته شدند و عامل آن کسی نبود  
جز کارگر گاو‌داری؛ مرد جوانی که به دلیل اختلاف با صاحبکارش این  
جنایت را رقم زد. رابطه کارگر و کارفرما همیشه با اختلافات و درگیری‌هایی  
همراه است اما این اختلافات گاهی به جنایت منجر می‌شود. این هفته در داغ هفته سرغ این  
پرونده‌ها رفته و قتل کارفرما به دست کارگران را دوباره مرور کرده‌ایم.

امیرعلی  
حقیقت‌طلب  
تپش

رسیده و خودرویش در باغ نیست و کارگرش هم مفقود شده است. با به دست  
آمدن این سرنخ، پلیس تحقیقات خود را آغاز کرد و متوجه شد کارگر فراری به  
راور کرمان فرار کرده است. ساعتی بعد کارگر جوان سوار بر خودرو صاحبکارش  
دستگیر شد. پسر ۳۵ ساله به قتل صاحبکارش اعتراف کرد و گفت: مرد باغدار  
خیلی بداخلاق بود و به من زور می‌گفت، اخیراً سر مسائل مالی هم به اختلاف  
خوردیم. روز حادثه دوباره درگیر شدیم و من با چاقو او را کشته و پس از سرقت  
خودرویش فرار کردم، اما چند ساعت بعد از قتل دستگیر شدم.

## پایان کار خونین

مرد آشنا برای دیدن دوستش به باغ او رفت اما هرچه در زد کسی در را به رویش  
باز نکرد، به همین خاطر با برادر مرد باغدار تماس گرفت. با سر رسیدن او برای  
بررسی موضوع داخل باغ رفتند و بارد خون روبه‌رو شدند. دقایقی پس از گشتن  
دنبال مرد ۵۷ ساله آنها با جسد غرق خون او مواجه شدند. با حضور پلیس در  
محل جنایت در رودان هرمزگان مشخص شد مقتول با ضربات زیاد چاقو به قتل



در مهمترین جنایت  
کارگران، مرد افغان به  
خاطر اختلاف حساب با  
کارفرمایش، او را همراه  
چهار عضو خانواده اش  
به قتل رساند



## قتل صاحبکار همسر به خاطر مزاحمت

شهریور امسال مرگ مدیر یکی از رستوران‌های تهران به خاطر اصابه چاقو در بیمارستان  
به بازپرس جنایی تهران گزارش شد، بررسی‌های پلیس نشان داد همسر یکی از کارکنان  
رستوران او را با چاقو زده و در صحنه حادثه دستگیر شده است. مرد جوان در مورد کشتن  
صاحبکار همسرش گفت: من سه ماه قبل ازدواج کردم و کارگر یک رستوران در شمال  
تهران هستم، همسر هم در یک رستوران در حوالی نوینباد کار می‌کند.



همان اوایل ازدواج متوجه تغییر رفتار همسرم شدم اما او چیزی به من نمی‌گفت، بالاخره  
یک ماه قبل او گفت که صاحبکارش برای او مزاحمت ایجاد می‌کند و هر ساعت پیامک  
می‌دهد. برای حل مشکل به محل کار همسرم رفتم و با صاحبکارش حرف زدم اما او  
دست‌بردار نبود. روز حادثه به رستوران رفتم و درخواست کردم مزاحم همسرم نشود،  
اما او توجه نکرد و من هم با عصبانیت یک چاقو به پهلویش زدم و از محل فرار کردم اما  
متوجه شدم همسرم در صحنه مانده، به آنجا برگشتم که دستگیر شدم. نمی‌خواستم  
صاحبکار همسرم را بکشم. الان در ۲۴ سالگی قاتل شدم و باید به زندان بروم

## صحنه سازی برای قتل صاحب آرایشگاه

روزهای خوب برای شاگرد آرایشگاه ادامه داشت و او در عرض یک  
سال کنار جمشید به یک آرایشگر ماهر تبدیل شد اما این خوشی  
دوام چندانی نداشت و وقتی صاحبکار متوجه اعتیاد شاگردش شد  
او را از مغازه اخراج کرد.

پسر جوان که از صاحبکارش کینه به دل داشت دنبال فرصتی بود  
تا از او انتقام بگیرد. کاوه چند ماه بعد سرغ جمشید رفت و ادعا کرد  
اعتیادش را ترک کرده، به همین خاطر از صاحبکارش خواست اجازه  
دهد او را به خانه‌اش برساند.

وقتی مرد آرایشگر از خودرو پیاده شد کارگر معتاد با ماشین او را زیر  
گرفت و به قتل رساند.

کاوه وقتی دستگیر شد ادعا کرد جمشید را مسئول تمام شدن  
روزهای خوب زندگی‌اش می‌دانسته؛ وقتی پیش او برای کار رفتم  
اینقدر حرفه‌ای بود که در یک سال تمام فوت و فن کار را یادم دادم.  
اما وقتی فهمید معتاد شده‌ام رفتارش عوض شد و من را بیرون کرد.  
قرار شد هر وقت ترک کردم دوباره به مغازه بیایم. با نقشه پیش او  
رفتم و ادعا کردم که ترک کرده‌ام و او

را سوار خودرو کردم،

وقتی جمشید

را پیاده کردم،

با ماشین او

را زیر گرفتم

تا مرگش را

حادثه نشان

دهم.

